

توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی به مناسبت نودومین سالگرد استرداد استقلال افغانستان (قسمت پنجم)

انگلیس ها ادعا کردند که گویا پیشنهاد متارکه توسط غازی امان الله خان صورت گرفته است

انگلیس ها در تخمین نیرومندی غازی امان الله خان و عزمش برای استرداد استقلال کامل افغانستان مرتکب اشتباه شده بودند. اعتراف به تخمین غلط نیرومندی غازی امان الله خان، از اسناد محرمانه استخبارات انگلیس که حالا از محرمیت برآمده است، هویداست. آنها این مسئولیت را به گردن حافظ سیف الله خان ایجنت مسلمان انگلیس ها در کابل می اندازند. و می گویند که مانند نصرالله خان، حکومت هند بریتانوی هم توانمندی امان الله خان را درست تخمین نکرده بود(۱).

انگلیس ها اول تصور نمی کردند که افغانها راه جنگ را در پیش گیرند، و بعداً هم برای اینکه ضعف خود را بپوشانند، بیشتر مانه کوشیدند دست آورد های مبارزات آزادیبخش افغانها را ناچیز جلوه داده ادعا کنند که گویا پیشنهاد متارکه توسط غازی امان الله خان صورت گرفته است.

پیشنهاد متارکه توسط کی صورت گرفت؟

اسناد و شواهد حاکیست که تقاضای آتش بس، ختم جنگ و مذاکرات صلح اول توسط انگلیس ها پیشنهاد شده است. آدمک درین رابطه مینویسد که "حکومت هند به نماینده افغان اجازه داد تا به کابل رفته امان الله را به ختم فعالیت های خصومت آمیز وادار سازد. امان الله موافقه نموده، و در نتیجه آتش بس زمینه مذاکرات طولانی و هیجانی در راولپندی، میسوری (منصوری) و کابل فراهم شد که به مصالحه و تأسیس مناسبات عادی همسایگی انجامید(۲)".

این مطلب را شادروان غبار نیز ذکر کرده مینویسد که "چون دولت انگلیس در طی جنگ با افغانستان اندازه خطر امپراتوری را در هندوستان و رشادت مردم افغانستان را در محاذات جنگ احساس و معاینه میکرد، لهذا مایل به صلح و تصدیق استقلال افغانستان گردید و راه مذاکره را توسط قوماندان خود در "دکه" باسفر نظریند افغانی باز کرد. در طی این مذاکرات طولانی انگلیس ها تصدیق استقلال افغانستان را پذیرفته و از وجوب متارکه و مصالحه و منافع دوستی دولتین سخن زد. سردار عبدالرحمن خان بغرض اطلاع این تمایلات انگلیسها به پادشاه افغانستان بکابل آمد، در حالی که انگلیس ها عایله و پسر او (غلام احمد خان رحمانی) را در پایگاه عسکری خود نگهداشته بودند. سردار عبدالرحمن خان در کابل با شاه مذاکره کرد و بعد از تصمیم دولت بقبول پیشنهاد متارکه انگلیس با شرط تصدیق استقلال، برگشت(۳)".

اسناد محرمانه استخبارات انگلیس نیز نشان میدهد که پیشنهاد متارکه توسط غازی امان الله خان نه، بلکه خود انگلیس ها صورت گرفته و دولت افغانستان کوشیده بود از جدی بودن این تقاضای انگلیس ها و چگونگی شرایط شان اطلاع حاصل کند. در تلگرام شماره پی ۱۴۳۳ آر، کمیشنر عمومی و نماینده حکومت هند بریتانوی برای گورنر جنرال ایالت سرحدی شمال غربی که بتاريخ ۲۳ می ۱۹۱۹ به آمرینش در شیمله فرستاده شده است، چنین میخوانیم: "عبدالرحمن خان، نماینده افغان، با پیغام حکومت هند که دیشب برایش داده شده بود، امروز صبح بطرف دکه حرکت کرد. سه نفر از مصاحبان او درین جا در قلعه (نظامی) ما در توقیف بسر میبرند، از جمله دو نفر شان تقاضا نموده اند با من مذاکره کنند. امروز من با آنها صحبت طولانی داشتم. آنها عبارتند از سردار حبیب الله خان، نواسه گل محمد خان (محمد) زی که خود را امر عمومی تلگراف افغانستان معرفی میکنند؛ و دومی کرنیل احمد علی، برادر کرنیل علی احمد و نواسه سردار محمد رفیق خان لودی میباشد. نفر سوم، که من او را ندیدم، عبدالعزیز، سرحددار "دکه"، میباشد، که اسمش در مکاتباتی که توسط ما کشف و قطع شده است، زیاد بنظر میرسد. حبیب الله فرمانی را از امیر برایم نشان داد که مضمون آن قرار آتیست (۴):

'به حبیب الله خان سرپرست دفتر پست و کرنیل احمد علی خان!

طوری که عبدالرحمن خان، نماینده تعیین شده افغان برای حکومت هند، که از آنجا برگشته است، برایم اطلاع داده است، قبل از عزیمت، سکرتر (وزیر) خارجه با اورا رجوع به آتش بس و باز کردن دروازه های صلح مذاکره نموده است. لهذا من به شما وظیفه و صلاحیت میدهم تا در میدان جنگ به کمپ انگلیس ها رفته راجع به شرایط (مقررات) صلح با ایشان مذاکره کنید، و اگر زمینه مصالحه را مساعد یافیتید، موضوع را برایم اطلاع دهید. رقتن شما به کمپ آنها ضروری بوده و من برای شما صلاحیت این اقدام را میدهم. محل امضای امیر امان الله، سه شنبه ۱۹ شعبان ۱۳۳۷".

از نامه فوق غازی امان الله خان و همچنان نامه احتجاجیه که بعد از بمباردمان هوایی جلال آباد و کابل به نایب السلطنه هند بریتانوی فرستاده شده و در آن از یکسو به ارسال سردار عبدالرحمن خان نماینده افغان به کابل و تأکید بر اجتناب از جنگ، و از سوی دیگر به بمباردمانی که شباهت به بمباردمان لندن توسط قوای هوایی جرمنی داشت و خود انگلیس ها آنرا بحیث یک حرکت شدید وحشیانه تقبیح کرده بودند، اشاره شده بود (۵)، هویداست که انگلیس ها با آنکه پیشنهاد متارکه و اعاده صلح رانمودند، نه تنها به زور آزمائی شان ادامه دادند، بلکه بر علاوه حملات هوایی شبکه های استخباراتی و گروه های استخدامی اش را فعال ساخته در بین مردم به تبلیغات وسیع ضد امانی پرداخته از یکطرف آوازه های قبل از وقت قبولی متارکه توسط غازی امان الله خان را پخش نموده و از طرف دیگر کوشیدند او را مسؤل اصلی جنگ و یگانه عامل کشته شدن افغانها قلمداد نمایند.

در فرمان مؤرخ ۲۶ شعبان غازی امان الله خان به سپه سالار محمد نادر خان که در صفحه ۱۳۸ بیوگرافی نادر خان نشر شده، نیز درین رابطه اشاره شده و ضمن تأکید بر ادامه مساعی اش در میدان جنگ، میخوانیم که " چون روز شنبه ۲۳ بعمل شش بجه صبح یک جهاز هوایی در کابل آمده چند گلوله بم در ارگ مبارکه و ماشین خانه و کمند ها انداخته چند راس یابو را سقط کرده واپس رفت اضافه از این برحمت الهی دیگر ضرر و نقصان نرسید و لامحال از برای مردم کابل که از گلوله باری آنها هراس پیدا شده اکثر مردم معتبرین و کلان شونده گان این ملامتی را بحضور تعلق میدهند که وقت جنگ بیخود و بیجا حرکت شده و در اینصورت با نفری اهالی شورا مصلحت کرده شد و شما در این باب چه تدبیر لازم میدانید. اکثریه در صلح رای داده اند که بقرار شرایط قرارداد اعلیحضرت ضیاء الملة والدین مرحوم و قرارداد شهید مرحوم هر گاه با شما مصالحه کنند شما قبول کنید. بنا بر آن لازم دانسته برای آن عالیجاه اطلاع فرمودیم که شما در این فقره چه مصلحت میدانید آنچه ب فکر شما میرسد و خیر میدانید بحضور والا معروض داشته نفری خود را بهمان جوش و خروش داشته درکاروایی های خود کوشش داشته باشید".

آیا قبولی پیشنهاد متارکه انگلیس اشتباه و بدون مشوره بود؟

عده از نویسندگان افغان که سپه سالار نادر خان را فاتح قلعه جنگی تل و یگانه قهرمان استقلال میدانند، معتقد اند که نادر خان باینکه قلعه تل را در اختیار داشت میتوانست با یک حمله پشاور را بگیرد و تمام نیروی انگلیس را نابود کند. آنها با قبولی متارکه جنگ، غازی امان الله خان را به بزدلی و سازش با انگلیس ها متهم می سازند. آقای فضل غنی مجددی میگوید که "با اسف زیاد پادشاه از سو اداره ایکه داشت از اشخاصیکه قادر به تحمل مسؤلیت نبودند کابینه خود را تشکیل داده بود و در موضوع مهم سیاسی که مربوط آینده ملت و مملکت بود مشوره نکرده و به ندای زعیم اسلامی افغانستان (حضرت صاحب شوربازار) جواب مثبت نداده رأی جنرال های خود را احترام نکرد و بصورت شخصی به تمام شرایط انگلیس موافقه نموده معاهدات سابقه را تصدیق نمود و از حقوق ملی افغانستان در غرب خط دیورند گذشت (۶)".

آقای غبار هم بر مبنای روایت خود که (...سپاه و افسران انگلیسی از دروازه دیگر قلعه فرار کردند، قشون فاتح افغانی داخل تل شده و بیرق افغانستان را بر فراز آن برافراشتند) ، نتیجه می گیرد که "در حالی که قوای فاتح افغانی قلعه مهم تل را در دست داشته و کوهات و پیشاور را تحت تهدید قرار داده بود و قوای افغانی می توانست به يك حرکت جناحی در پیشاور بیفتد و سپاه خیبر انگلیس را معدوم و هردو کناره دریای سند را زیر پای استعمار امپراتوری به توده آتش تبدیل نماید ولی این چنین نشد؛ زیرا پایتخت کابل بدون مشوره با قوماندانان محاذات جنگ، بدون مشوره با مردم افغانستان خواهش متارکه دولت انگلیس را پذیرفته و به قوماندانان خود در تمام محاذات جنگ امر تخلیه مناطق مفتوحه و عقب کشی از سرحدات را صادر کرد. لهذا سپاه فاتح افغانی خواهی نخواهی رجعت کردند و نقاط مهمی که با خون مردم و عسکر افغانی فتح شده بود دوباره (به شمول قلعه جنگی تل) به دست دشمن افتاد؛ زیرا پشت جبهات افغانی یعنی دولت مرکزی و دربار معناً متزلزل بود(۷)".

چون اسناد مؤثق موجود نشان میدهد که قلعه جنگی تل اصلاً فتح نشده بود و حتی امکان حمله بر قوای انگلیس مستقر در آن قلعه هم وجود نداشت، لذا حمله بر پشاور و کوپته و نابودی تمام نیروهای انگلیس ممکن نبوده و اشتباه تلقی میشود. قابل یادآوریست که شاد روان غبار در اثر گران قدر خود، افغانستان در مسیر تاریخ، بنا بر ملحوظاتی با فراموشی کامل جبهه چترال و کنر (جبهه چهارم استقلال)، و قوماندانان فاتح آن غازی میرزمان خان کنری، نیز در رابطه با جنگ سوم افغان و انگلیس اشتباه دیگری را مرتکب شده اند.

اینکه غازی امان الله خان بدون مشوره با قوماندانان محاذات جنگ و بدون مشوره با مردم افغانستان خواهش متارکه دولت انگلیس را پذیرفته باشد، نیز دور از حقیقت است.

طوری که قبلاً هم به آن اشاره شد، در فرمان مؤرخ ۲۵ شعبان، غازی امان الله خان به سپه سالار محمد نادر خان ضمن اینکه از وضعیت جبهه خیبر و بمباردمان هوایی کابل اطلاع می دهد، از ترس و هراس مردم، انتقاد مأمورین عالیرتبه، و مصلحت باشورا، و رای اکثریت که حتی خواهان صلح به شرایط قرارداد امیر حبیب الله بودند، یاد آور شده، میبیرسد که " شما در این فقره چه مصلحت میدانید آنچه ب فکر شما میرسد و خیر میدانید بحضور والا معروض داشته (اما) نفری خود را بهمان جوش و خروش داشته درکاروایی های خود کوشش داشته باشید".

در سلسله مشوره با مردم و قوماندانان جبهات جنگ، غازی امان الله خان با میرزمان خان کنری، قوماندان جبهه چهارم جنگ استقلال (جبهه چترال و کنر) نیز مشوره نموده است. غازی امان الله خان طی یکی از فرامینش به اسم میرزمان خان کنری هدایت داده بود که میرزا شهناز خان را با افراد خبرسازانش بحیث رابط سریع و منظم جبهه چهارم با مرکز تعیین نموده و در فرمان دیگری از رسیدن مشوره غازی میرزمان خان اطمینان و اظهار خرسندی نموده است (۸). همچنان از متن فرمان، سه شنبه ۱۳ ماه رمضان، غازی امان الله خان به سپه سالار نادر خان فهمیده میشود که غازی امان الله خان این قوماندان جبهه جنوبی را از جریان مکاتبات و شرایط پیشنهادی متارکه انگلیس ها آگاه ساخته و از رسیدن مشوره او نه تنها اطمینان داده، بلکه با آن همناوائی نشان داده است. در قسمتی ازین فرمان میخوانیم که "از مضمون فقرات معروضی شما سراپا دانسته و حال رأی انور والا گردید. لله الحمد والمنه خداوند خودراشکرگذارم که آن عالیجاه را هم خیال و هم درد خود ملاحظه میکنم از خداوند خود برای شما نیکنامی دنیا و آخرت را میخواهم. خودرا پریشان نسازید. اگر جان در تن و رمق در بدن داشته باشم باین شرایط صلح را قبول نخواهد کردم". غازی امان الله خان در همین فرمان بعد از ذکر دلایلی که داوطلبی شرکت سپه سالار نادر خان را در هئیت مذاکرات صلح راولپندی رد میکند، در رابطه با اختیارات هئیت مذاکرات صلح نوشت که "آقاسی ملکی و نفری که ارسال میداریم مطلق اختیار برای شان داده نشده که اختیار شرایط صلح را بچنگ خودها داشته باشند. برای شان حد و اندازه و دستور العمل داده شده که تا باین حرف اخیر حرف بزنید که شرف و عزت افغانستان باشد اگر قبول کردند مدعا حاصل شد و اگر از اندازه ما تجاوز کرده و قبول نکردند تا حیات داریم بسر و جان میکوشیم و جامه زنان را نمیپوشیم. خیال و فکر من از برای شما خوب معلوم شده و گاهی این ننگ و عار را بگردن نمیگیرم انشاءالله و تعالی. در اخیر نامه اعیضرت بقلم خود نوشت:

دست از طلب ندارم تا کام من برآید
یا جان (رسد) بجانان یا جان زتن برآید

اینکه چرا نظریات مخالفت با متارکه جنگ حضرت صاحب شوربازار و دیگران پذیرفته نشدند، میتواند دلایل مختلف داشته باشد. یکی از مهمترین آن اینست که قوماندانان جبهات، روحانیون متنفذ و سران نیروهای قومی درگیر جنگ در جبهات انفرادی، از جریان کلی اوضاع جنگ و شرایط رو به تغییر اوضاع عمومی، خصوصاً اوضاع پشاور و شهرهای دیگر هند بریتانوی که بر تعدیل ستراتیژی جنگی افغان ها تأثیر داشت، آنگونه که غازی امان الله خان بحیث قوماندان اعلی قوای نظامی افغانستان اطلاع داشت، باخبر نبودند. غازی امان الله خان بعد از مشوره، تصمیم قبولی پیشنهاد متارکه انگلیس ها را با در نظر داشت شرایط عینی و مشاهده جریان کلی اوضاع جنگ گرفت. تصمیمی که فراتر از ساحة یک جبهه محلی و دور از تأثیر احساسات شدید ضد استعمار انگلیسی اقوام مختلف مردم، که سر بکف در راه کسب استقلال و آزادی میجنگیدند، و حاضر بودند آخرین قطره خون خود را نیز درین راه بریزند، بود. او میخواست درین جنگ نابرابر پیروزی افغان ها را تأمین نموده، استقلال افغانستان را چه از طرق جنگ و یا در ساحة دیپلوماسی بدست آورد.

(ادامه دارد)

یادداشت ها

۱. اسناد استخبارات انگلیس، L/P&S/20/B285, P12
۲. (۱۹۹۶)، Adamec, L.W. (دکشنری جنگ ها، انقلابات و شورش های افغانستان)، ص ۲۳۳.
۳. غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶)، صفحات ۷۶۹-۷۷۰.
۴. اسناد استخبارات انگلیس، L/P&S/10/819, P285
۵. اسناد استخبارات انگلیس، L/P&S/10/819, P373
۶. مجددی، فضل غنی (۱۹۹۷)، افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان، ص ۸۵.
۷. غبار، میر غلام محمد (۱۳۶۶)، افغانستان در مسیر تاریخ. چاپ سوم، صفحات ۷۶۷-۷۶۸.
۸. اخلاص، عبدالخالق (۲۰۰۵م)، استقلال خلورمه جبهه (د حبیب الله رفیع سرریزه، سمون، لمنی او نبلونوی) دویم چاپ، صفحات ۱۸۳-۱۸۵.